



تحلیل جایگاه عقلانیت در گفتمان برجام و بازتاب آن در سیاست خارجی ایران



دکتر ساسان کریمی^۱ - فریبا میرزایی نژاد اوجانی^۲

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

آنچه به عنوان عقلانیت در سیاست خارجی شناخته می‌شود، می‌تواند از تعاریف متنوعی بهره‌بردار. در عین حال در مقاله‌ی حاضر با تکیه بر آنچه توسط جان رالز نظریه‌پردازی شده و تا حد زیادی می‌تواند با عنوان «بهینه‌سازی سود و زیان» خلاصه شود به تحلیل گفتمان عقلانیت در سیاست خارجی جریان اعتدال به خصوص در موضوع برجام می‌پردازیم و نهایتاً تلاش می‌کنیم تا ابتدای اصلی سیاست‌ورزی این جریان را در موضوعات کلان خارجی از گفتمان ایشان استخراج نماییم. آنچه در مقاله حاضر مورد پژوهش قرار می‌گیرد این است که عقلانیت به معنای رالزی آن چه نسبتی با گفتمان اعتدال در سیاست خارجی ایران دارد؟ محاسبه هزینه-فایده در چارچوب مشخص دستگاه نظری رالز البته یکی از منظومه‌های بالقوه متصور عقلانیت است که در این پژوهش به عنوان دستگاه اصلی نظری مورد استفاده قرار گرفته است. روش مورد استفاده تحلیل گفتمان به سبک فرکلاف است و محتوای مورد استفاده داده‌های پیرامون برجام و سیاست خارجی دولت تدبیر و امید و نیز سبقه گفتمانی منجر به آن است. با استفاده از مبانی نظری، روش و داده‌های مورد اشاره، نهایتاً از استخراج گفتمان سیاست خارجی دولت تدبیر و امید نتیجه شد که عقلانیت در معنای افزایش قابل ملاحظه و قابل محاسبه منافع ملی در منظومه‌ی عقلانیت مذکور و در تناسب با مبانی نظری مذکور، دال مرکزی گفتمان اعتدال در سیاست خارجی است.

کلیدواژگان

عقلانیت سیاسی، مصلحت، منافع ملی، سیاست خارجی، اعتدال، تنش‌زدایی.

^۱ - مدرس دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران. / نویسنده مسئول / ایمیل: sasan.karimi@ut.ac.ir

^۲ - دانشجوی دکتری گروه فرهنگ و ارتباطات، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، تهران.

مقدمه

سیاست‌گذاری خارجی، مفهومی «وابسته» به عوامل مختلفی است که این مقاله به تبیین «عقلانیت» به عنوان یکی از تعیین‌کننده‌ترین آنها می‌پردازد. از آنجا که مسئولیت سیاست‌گذاری خارجی با نخبگان سیاسی حاکم در نظام سیاسی در مراتب گوناگون است، کیفیت و تنوع درک ایشان از معنای عقلانیت و نیز میزان و نحوه‌ی کاربری آن به نتایج متنوعی در سیاست‌گذاری خارجی منجر خواهد شد که می‌تواند سرنوشت‌های مختلفی را به لحاظ راهبردی برای جامعه مربوطه به دنبال داشته باشد. تبیین وضعیت سیاست‌گذاری خارجی در کیفیات مختلف عقلانیت نیز به طریق اولی بر این تعیین سرنوشت مؤثر است.

در جمهوری اسلامی ایران از سال‌های میانه‌ی جنگ ایران و عراق^۱ جریان اعتدال، با تشکیل جمعی با عنوان «مجمع عقلا» در مجلس شورای اسلامی ابراز وجود کرد و تاکنون نیز به حیات خود ادامه داده است (بستجانی، ۱۳۹۹)؛ (Bastejani, 2020). از کارهای عمده انجام شده به وسیله قائلان به این نگاه را می‌توان خاتمه جنگ^۲ و مذاکره پیرامون قطعنامه ۵۹۸، گفتگوهای انتقادی با اروپا^۳ تلاش برای تنش‌زدایی با ایالات متحده در زمان بیل کلینتون^۴ مذاکرات هسته‌ای در دوران اصلاحات^۵ و بالاخره مذاکرات منجر به تفاهم سیاسی برجام^۶ را نام برد.

تحلیل گفتمان اعتدال و به خصوص نقش عنصر عقلانیت حاکم بر آن در فضای سیاست جمهوری اسلامی ایران، که بیشتر وجه خارجی دارد تا داخلی، می‌تواند به روشن شدن زمینه‌های وجودی از سیاست خارجی کشور بینجامد. مقاله‌ی حاضر به طور ویژه، مذاکرات هسته‌ای منجر به برجام را مورد مذاقه قرار خواهد داد و در نهایت آن را در سایه عنصر محوری عقلانیت بررسی خواهد نمود.

در پژوهش حاضر به این پرسش می‌پردازیم که عقلانیت به معنای رالزی آن چه نسبتی با گفتمان

^۱. Rationality

^۲. ۱۳۶۳

^۳. با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت ملل متحد در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۲۷.

^۴. طبق تصویب ۱۱۰۳۱۸ت ۸۳۸ هیات وزیران به تاریخ ۱۳۶۸/۹/۱۵.

^۵. گفتگوهای میان مقامات سیاسی و اقتصادی ایران و اتحادیه اروپایی که پس از حمله عراق به کویت (مرداد ۱۳۶۹) آغاز و در تهران، کپنهاگ، بن، پاریس و مادرید انجام شد و تا ماجرای میکونوس (شهریور ۱۳۷۱) ادامه داشت.

^۶. William Jefferson Clinton، چهل و دومین رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا (۲۰۰۱-۱۳۹۳).

^۷. مذاکرات هسته‌ای در زمان ریاست جمهوری محمد خاتمی به ریاست حسن روحانی (دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی) و با حضور محمدجواد ظریف (مذاکره کننده ارشد وقت)، حسین موسویان، سیروس ناصری و علی اکبر صالحی (نماینده وقت ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی) انجام شد که به بیانیه‌ی سعدآباد (۱۳۸۲/۷/۲۹)، توافق‌نامه بروکسل (۱۳۸۲/۱۲/۴) و توافق پاریس (۱۳۸۳/۸/۲۴) انجامید.

^۸. از ۱۳۹۲/۶/۳۱ تا ۱۳۹۴/۴/۲۳.

^۹. برنامه جامع اقدام مشترک (Joint Comprehensive Plan of Action) منعقد در تاریخ ۱۳۹۴/۴/۲۳ و اجرایی شده در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۵.

اعتدال در سیاست خارجی ایران دارد؟ به معنای دیگر آن فرضیه‌ای که در پی بررسی آن هستیم این است که محاسبه‌ی هزینه-فایده لاقابل به معنای یکی از منظومه‌های عقلانیت، مبنا و خاستگاه جریان اعتدال در تصمیم‌سازی و عملکرد سیاست خارجی است. آنچه لازم است ذکر شود اینکه از گفتمان رالز ما بیش از هر چیز به تعریف عقلانیت او توجه خواهیم کرد و موضوعات نزدیک به اقتصاد سیاسی و عدالت او مبنای این پژوهش قرار نخواهند گرفت. به معنای دیگر، ابتدای مقاله‌ی حاضر بر گوهر اعتدال است و نه عدالت.

آنچه می‌تواند هدف چنین پژوهشی باشد بیش از همه، تبیین یکی از شاخص‌ترین گفتمان‌های موجود در پهنه سیاست کشور و از جمله سیاست خارجی است که از قضا به نظر می‌رسد تا اندازه قابل توجهی متناسب با گفتمان‌های مطرح در دیگر دولت‌هاست. با چنین شفافی، می‌توان به بحث مفهومی میان این گفتمان و معارضان آن اتمام کرده که خود می‌تواند موضوع پژوهش‌های بعدی باشد.

۱- پیشینه

مقاله عقلانیت و سیاست‌گذاری خارجی نوشته حسین قریب به بررسی سیاست‌گذاری خارجی به عنوان یکی از حوزه‌های مهم سیاست‌گذاری عمومی پرداخته که آن را مفهومی وابسته و تحت تأثیر عوامل مختلف می‌داند. همچنین به تبیین «عقلانیت» به عنوان یکی از تعیین‌کننده‌ترین عوامل مؤثر با سیاست‌گذاری خارجی می‌پردازد. نویسنده با اعتقاد بر اینکه مسئولیت سیاست‌گذاری خارجی با نخبگان سیاسی جامعه است، کیفیت عقلانیت آنها را به سیاست‌گذاری‌های خارجی تعمیم داده و آن را با نتایج و سرنوشت‌های مختلف استراتژیک برای جوامع مربوطه می‌داند (قریب، ۱۳۹۲: ۱۲۲)؛ (Gharib 2013: 122).

مقاله‌ی تأثیر فرآیند توافق هسته‌ای بر ادراک آمریکا از عقلانیت راهبردی ایران، نوشته محمد جمشیدی، با تمرکز بر تحلیل گفتمان رسمی واشنگتن در این دوره، به دنبال پاسخ به این سوال است که ارزیابی واشنگتن از تهران در پی توافق هسته‌ای چه بوده است و این ارزیابی چه تأثیری بر چشم‌انداز رقابت راهبردی بین ایران و آمریکا، بخصوص در منطقه خواهد داشت. این نوشتار، به راهبرد مناسب جهت مدیریت وضعیت در راستای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. نقطه‌ی قوت آن این است که تصریح می‌کند که جمهوری اسلامی ایران یک بازیگر عقلانی است و این عقلانیت فرصتی برای اثرگذاری، در مناسبات با تهران، ایجاد می‌نماید. این درک راهبردی، در کنار وضعیت «عدم اطمینان» در خاورمیانه، در پی بیداری اسلامی از مبانی شکل دهنده نوع ابزارهای سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران، از جمله تحریم، بوده است (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۸۹)؛ (Jamshidi 2015: 89).

در نمونه‌ی دیگر، پرسش اصلی مقاله‌ی سیاست‌گذاری منافع متقابل و عقلانیت راهبردی در سیاست خارجی اعتدال، اثر عباس مصلی‌نژاد این بود که سیاست خارجی اعتدال براساس چه نشانه‌هایی سیاست‌گذاری می‌شود؟ (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۲۴۴)؛ (MosallaNejad 2015: 244) در این مقاله،

سیاست خارجی اعتدال، متغیر وابسته است، درحالی که سیاستگذاری منافع متقابل و عقلانیت راهبردی در حوزه منطقه‌ای، عناصر تشکیل دهنده متغیر مستقل هستند و در تبیین سیاست خارجی اعتدال از رهیافت نئولیبرالی بهره گرفته شده است. همچنین سیاست خارجی اعتدال دارای دو نشانه «سیاستگذاری منافع متقابل» و «تصمیم‌گیری با مدل عقلانی» در حوزه راهبردی است (مصلی نژاد، ۱۳۹۴: ۲۷۱)؛ (MosallaNejad 2015: 271).

در مقاله‌ی حاضر، با حصر بحث به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، به جریان خاصی در این حوزه می‌پردازیم که به جریان اعتدال در سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی معروف است.

۲- چارچوب مفهومی

آنچه در متون مربوط به تحلیل سیاست خارجی و دیگر مراجع مربوط به سیاستگذاری آمده است را، نوعاً به دو دسته‌ی عمده می‌توان تقسیم کرد: یکی رویکردی که قائل به نگاهی مبتنی بر منطق محاسبه‌ی حداکثری است و دیگری آنکه تلاش می‌کند فرآیند مذکور را به این میزان ساده‌سازی نکرده و تقلیل ندهد. دسته اول همان مدلی است که به بیان درک بیچ‌بازیگری با عقلانیت نظری^۱ بر آن فرض شده است که صرفاً بر اساس گزینه‌های مطلوب و ممکن به صرفه‌ترین را انتخاب می‌کند. برای این کنشگر «کاملاً عقلانی»، مشخصات شخصی و نیز شرایط به خصوصی متصور نیست. بلکه اتفاقاً در مقابل، فرض است که این کنشگر اولاً تمام اطلاعات مربوط به موضوعی را که مورد تصمیم‌گیری است را در منظومه ذهنی تصمیم‌گیر خود دارد، دوم آنکه تمام گزینه‌های ممکن را در دست داشته و مورد بررسی قرار داده است و سوم اینکه عملکردی بهینه را در ید خود دارد (Beach, 2012: 98).

اما واقعیت این است که هم کنشگر در معنای عمومی‌تر خود و هم کارگزار او، مبنای انسانی ذهن را همراه خود دارند. ضمن آنکه فروضی نظیر تمامیت اطلاعات و اختیارات و نیز عملکرد بهینه الزاماً امور واقعی نیستند. بحث اصلی این است که ما همیشه با انتخاب‌های بهینه مواجه نیستیم (Baros, 2010: 457). بلکه پیش از هر چیز با راه حل‌های رضایت‌بخش مواجهیم. مدل رضایت‌بخش در واقع موضوع آن چیزی است که به بیان هربرت سایمون^۲ عقل محصور^۳ نامگذاری شده است. تصمیم‌گیری نهایتاً انتخاب میان گزینه‌های موجود است و این انتخاب، به جز هزینه‌ها و فایده‌ها، متأثر از «ترجیحات تصمیم‌گیر» نیز هست (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۸: ۷۲۰؛ Douerti & Faltzgraf 2009: 720). همچنین فروضی که برای «عقلانیت تمام» مطرح شد به سادگی قابلیت به چالش کشیده شدن دارند: واقعیت این است که تصمیم‌گیر به جز مقدمات، همواره مبتلا به محدودیت‌های اساسی است چراکه او هم در اطلاعات خود و هم در امکانات اجرایی و انتخاب

^۱. Derek Beach

^۲. Rational Actor Model (RAM)

میان گزینه‌ها (Alden & Aran, 2017: 19).

از این رو در مقاله‌ی حاضر، در تبیین عقلانیت پیرامون تصمیم‌گیری برجام، منظور را عقلانیت صرف، ایده‌آل و تنها متوجه به مقدرات قرار نداده‌ایم. بلکه اولاً قائلیم همواره تصمیم در سیاست خارجی تحت تأثیر ساختار، فرآیند تصمیم‌گیری، عوامل و منابع است و ثانیاً هر آنچه خارج از محدوده‌ی عقل محاسباتی و عقلانیت حداکثری به سبک اسنادی باشد، الزاماً غیر عقلانی نیست. بلکه ممکن و از قضا محتمل است که در منظومه‌ی عقلانیت دیگری قرار داشته باشد. یعنی اصل دیگری مبنای ذهن تصمیم‌گیر در تفکر ترافرانده‌ی او قرار دارد که ترجیحاتی دیگر را بر تصمیم او مستولی می‌کند و در نتیجه «تصمیم عقلانی» که خروجی فرآیند تصمیم‌گیری اوست، متفاوت خواهد بود. آنچه به نظر می‌آید اینکه برجام بر اساس مدل عقلانیت محصور نظیر آنچه سایمون گفته است به تصمیم رسید و محدودیت‌ها و ترجیحات، پیش‌زمینه‌ی مهم در به اتخاذ رویکردی شد که به برجام انجامید (بخشی، یاری القار و حمیدی، ۱۳۹۹: ۱۹)؛ (Bakhshi, Yari Alghar & Hamidi 2020: 19).

آنچه در پژوهش حاضر به آن می‌پردازیم، بدو نگاهی است که رالز از مبانی نظری لیبرالیسم ارائه کرده است. اولاً لازم است با مرور نظر رالز تصریح شود که جامعه‌ی موصوف او «جامعه‌ای عادلانه و پایدار متشکل از شهروندان آزاد و برابر» است که بر پایه‌ی آموزه‌های معقول دینی، فلسفی و اخلاقی همچنان در گروه‌های بسیار متفاوت باقی می‌مانند.

«کنشگران معقول و عقلانی» و «همکاری عادلانه» دو مفروض فضای سیاسی رالز هستند؛ عدالت به مثابه انصاف در همکاری. این همکاری منصفانه، البته مادامی معنا و امتداد دارد که برای کنشگران به مثابه «مردمان عاقل و نامطلق» در صحنه عملیاتی سودآور باشد (رالز، ۱۳۹۷: ۱۳۵)؛ (Rawls, 2018: 135). اما سودآوری در نگاه لیبرال معنایی خاص خود دارد: جامعه‌ی لیبرال نه بر اصل دیگرخواهی حداکثری استوار است که شخص بر اساس انگاره‌های مطلق و پیشینی خود حاضر به قربانی کردن (منافع) خود برای دیگری باشد و نه مبتنی بر اصل توازن قوا، که هر کس در دینامیسمی خشن و خشک به تناسب موقعیت خود بهره‌بردار. شهروند لیبرال معقول خواستار جامعه‌ای است که «افراد آزاد و برابر بتوانند بر پایه شروط پذیرفته شده‌ی همگان با یکدیگر همکاری کنند» و این یعنی معامله به مثل (رالز، ۱۳۹۷: ۱۳۴)؛ (Rawls, 2018: 134). در یک معنای موسّع تر رالز می‌گوید: «نباید کنشگران عقلانی را تنها در پی منافع خویش انگاشت: بدین معنا که دلبستگی‌های آن‌ها همواره دلبستگی به منافع خودشان نیست. هر دلبستگی‌ئی دلبستگی یک شخص است، ولی چنین نیست که هر دلبستگی‌ئی به سود شخص دارنده آن باشد» (رالز، ۱۳۹۷: ۱۳۵)؛ (Rawls, 2018: 135).

رالز که جامعه‌ی معقول را نه دیگرخواهانه و نه خودخواهانه می‌داند، معتقد است در این چنین جامعه‌ای همگان دارای اهداف عقلانی ویژه‌اند. او در لیبرالیسم سیاسی به پرسش اساسی فوق در

². John Rawls (1921-2002)

³. A priori

مبانی نظری لیبرالیسم پاسخ می‌دهد که اگر لیبرالیسم علی‌الخصوص در موضوعات سیاسی قائل به تکثر در آراء مختلف و بعضاً متضاد است و از باب «صحیح و غلط» نمی‌توان به ردّ و قبول این آراء پرداخت، چطور می‌توان میان هر نوع نظریه‌ی خطوری کرده به ذهن تفکیک قائل شد و احیاناً معیار این تفکیک و داوری چیست؟ بنابراین آنچه می‌توان در وعاء ذهن، نظر، اطلاق و محض‌اندیشی در خصوص امر سیاسی وارد دانست، امر معقول است ولی آنچه رالز مبتنی بر عمل سوژه‌ی خردورز بر می‌شمرد، مشروط به صحنه‌ی واقعی و عملی است. به بیان دیگر «با [امر] معقول است که ما چونان مردمان برابر پای به درون جهان عمومی دیگران می‌گذاریم و آماده‌ایم شروط منصفانه همکاری با آنان را بر حسب مورد پیشنهاد کنیم یا بپذیریم» (رالز، ۱۳۹۷: ۱۳۹)؛ (Rawls, 2018: 139).

امر معقول، پیش‌فرض پیشامردن همکاری منصفانه است و در عین حال «[امر] معقول با انگاره «معامله به مثل» نه دگرخواهانه است (که تنها در راستای بهره‌های دیگران باشد) نه خودخواهانه (که تنها متأثر از اهداف و دل‌بستگی‌های خود شخص باشد). در یک جامعه معقول که ساده‌ترین نمایش آن جامعه‌ی برساخته از مردمان برابر در موضوعاتی اساسی است، همگان دارای اهداف عقلانی ویژه خویش با امید به دنبال کردن‌ها هستند... این جامعه معقول نه جامعه‌ی از قدیسان است نه جامعه‌ی از خودمحوران. بسی چونان بخشی از جهان انسانی معمولی ما است، نه جهانی که آن را برخورداری از فضیلتی چنان بزرگ بینگاریم که فعلیتی نداشته باشد. با این همه توان اخلاقی نهفته در پس پیشنهاد یا پذیرش شروط منصفانه همکاری به خاطر خود شروط و سپس فعالیت بر پایه آن‌ها یکی از فضیلت‌های اجتماعی مهم است» (رالز، ۱۳۹۷: ۱۳۹)؛ (Rawls, 2018: 139).

رالز، عنصر عقل را لااقل به سه نوع تقسیم می‌کند: عقل عمومی، عقل‌های غیرعمومی غیرخصوصی که در انجمن‌ها، دانشگاه‌ها، کلیساها و به صورت عمومی در نهادهای جامعه‌ی مدنی وجود دارد (که ما در اینجا برای سهولت ارجاع عقل انجمنی می‌نامیم) و عقل خصوصی. البته رالز از همه بیشتر تأکید خود را بر عقل عمومی قرار داده و آن را پایه‌ای در جامعه‌ی دموکراتیک و نشان ویژه‌ی آن می‌داند؛ چه قائل است که «در جوامع اشراف‌زاده و خودکامه هنگامی که خیر جامعه در نظراست این [محاسبه برای تأمین خیر] را نه همگان... بلکه فرمانروایان انجام می‌دهند» (رالز، ۱۳۹۷: ۳۲۰)؛ (Rawls, 2018: 320).

عقل عمومی نیز در نظر رالز خود از سه راه، عمومی است: یکی از آن رو که چونان عقل شهروندان است، دیگر اینکه موضوع آن خیر همگان و موضوعات مرتبط با عدالت بنیادین است و دیگر سرشت و محتوای آن که عمومی است (رالز، ۱۳۹۷: ۳۲۰)؛ (Rawls, 2018: 320). عقل عمومی در یک جامعه عمومی عقل شهروندان برابر است و از همین رو محک و سنجه در تقنین، اجرا و به ویژه قضاست (رالز، ۱۳۹۷: ۳۲۱)؛ (Rawls, 2018: 321). به بیان دیگر، عقل عمومی در هر کُنش، خطابه و جدلی در عرصه‌های رسمی و توسط مقامات، به مثابه داوری بیرونی و نفر سومی است که ناظر بر امر پیش‌رونده قرار گرفته است و از این رو داوری مؤثر در خصوص عملکرد یا ابراز موضع هر مقام در عرصه‌های رسمی سیاسی با آن و توسط آن سنجیده می‌شود. اقناع این عقل عمومی، در

عرصه‌ی رسمی و توسط مقامات است که در یک جامعه‌ی دموکراتیک جهت پیشرفت امور و در نتیجه سرنوشت جامعه را تعیین می‌کند و از این رو اقناع آن توسط مقامات و ضمناً نهادهای جامعه‌ی مدنی واجد اهمیت درجه‌ی اول است.

رالز معتقد است که عقل عمومی اولاً درباره‌ی ابراز موضع و رأی به منافع شخصی و عمومی تک تک افراد نگاه نمی‌نگرد؛ یعنی آنچه پیکره‌ی واحد عقل عمومی دانستیم، همبستگی چندانی با عقل خصوصی و محاسبات خصوصی سود و زیان فرد ندارد و بیشتر به مصلحتی عمومی و اجتماعی ناظر است و ثانیاً دو نظر را در خصوص ابراز نظر در جامعه دموکراتیک به رسمیت می‌شناسد: یکی اینکه «اکثریت مردمان می‌توانند هر کاری را که می‌خواهند انجام دهند» و دوم «مردمان بدان چیزی رای می‌دهند که بر پایه باورهای فراگیرشان درست و راست است» (رالز، ۱۳۹۷: ۳۲۷؛ Rawls, 2018: 327).

به موازات، رالز به عقل‌های غیرعمومی - که ما انجمنی نامیدیم - نیز نظر دارد و شیوه‌ی استدلال برای اقناع آن را نیز از عقل عمومی متفاوت می‌داند. این نهادهای اندیشمند و واجد عقل غیرعمومی و غیرخصوصی در نگاه رالز را شاید بتوان عقل مُنْفَصِل جامعه‌ی دموکراتیک دانست. اما هر چه هست «استدلال» در بیان رالز، عنصر اصلی اشخاص حقوقی و مردمان جامعه‌ی سیاسی برای رفتار معقولانه و مسئولانه است؛ استدلالی که به ویژه در حوزه‌ی عمومی قرار است بتواند موضع منصفانه - ی خود را برای پاسخ گفتن به عقل عمومی تبیین کند. به بیان او «همه‌ی انواع استدلال باید عنصر مشترک ویژه‌ای را بپذیرند: مفهوم قضاوت، اصول استنتاج و قواعد عرضه شواهد و مانند آنها؛ اگر چنین نباشد آنها نه استدلال بلکه احتمالاً خطابه یا روش‌های اقناع‌گری خواهند بود. [در استدلال] سر و کار نه با گفتار بلکه با دلیل است» (رالز، ۱۳۹۷: ۳۲۸؛ Rawls, 2018: 328).

۳- روش تحقیق

تحلیل گفتمان با روشن کردن ساختارهای سطحی برحسب گرامر نوین، به ساختارهای معناشناختی شالوده‌ای توجه داشته و فرض‌ها، ارتباط‌ها، دلالت‌ها و راهبردهایی را که به طور معمول، در گفتمان در حالت پوشیده باقی می‌مانند نیز روشن می‌سازد. تحلیل گفتمان، نوعی گرایش مطالعاتی بین رشته‌ای است که در پی تغییرات گسترده علمی و معرفتی در رشته‌های علاقه‌مند به مطالعات نظام‌مند ساختار، کارکرد و فرآیندهای تولید گفتار و نوشتار ظهور کرده است (Fairclough, 2003: 3).

نورمن فرکلاف معتقد است: متن در درجه اول دارای کلیتی است که بدان وابسته است. در داخل متن مجموعه‌ای از عناصر وجود دارند که نه تنها به یکدیگر مرتبط بوده، بلکه کلیتی را می‌سازند که بدان گفتمان می‌گویند. فرکلاف سه سطح را به کار می‌گیرد سطح اول توصیف متن (آشکارسازی گزاره‌ها و مواضع ایدئولوژیک متن)، سطح دوم تفسیر (نشان دادن تعامل بین متن و

¹ Norman Fairclough (1941)

² Discourse

بافت) و سطح سوم که سطح کلان است، یعنی تبیین (تأثیر دوسویه‌ی ساختارها بر گفتمان بر ساختارها) (Fairclough, 2003: 3).

فرکلاف در توضیح سطح اول، به تمرکز بر واژه‌ها، وجوه دستوری و تحلیل زبانشناختی متن به جستجوی «ارزش‌های تجربی»، «ارزش‌های رابطه‌ای» و «ارزش‌های بیانی» موجود در متن که فرکلاف آنان را «ارزش‌های صوری» متن می‌نامد، می‌پردازد. یکی از تفاوت‌های نظریه فرکلاف با نظریه‌های پس‌ساختارگرایانه گفتمان این است که گفتمان صرفاً یک پدیده‌ی سازنده نیست بلکه در عین حال خود، محصول سایر پدیده‌هاست. بنابراین، گفتمان رابطه دیالکتیکی با سایر ابعاد اجتماعی دارد (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۱۶)؛ (Jorgensen, Philips, 2010: 116).



نمودار ۱: مدل سه‌بعدی گفتمان و عناصر تشکیل‌دهنده آن و تعامل این عناصر با یکدیگر

Figure 1: 3D Model of Discourse and Its Constituent Elements and the Interaction of These Elements with Each Other

منبع: (فرکلاف، ۱۹۹۶: ۲۵)؛ (Fairclough, 1996: 25)

فرکلاف در رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی خود، ایدئولوژی را «ساخت‌هایی معنایی» می‌داند که در تولید، بازتولید و تغییر روابط نابرابر قدرت نقش دارند (سلطانی، ۱۳۸۴الف: ۹۹)؛ (Soltani, 2005A: 99). بدین ترتیب، ایدئولوژی به واسطه‌ی معنا با گفتمان و زبان که ابزار تولید معنا هستند، پیوند می‌خورد. در پژوهش حاضر آن بخش از سخنرانی‌ها، گفت و گو و یادداشت‌های تصمیم‌گیرندگان آن دوره که بهترین بازنمایی از گفتمان وقت را داشتند، انتخاب شده و طبق روش فرکلاف در سه فرآیند تحلیلی: سطح – سطح، عمق – سطح، عمق مورد تحلیل قرار خواهند گرفت (سلطانی، ۱۳۸۴ب: ۱۶۹)؛ (Soltani, 2005B: 169).

^۱. Context

۴- یافته‌ها و تحلیل

واقعیت این است که اصلی‌ترین موضوعی که در اوان دولت تدبیر و امید در ایران اولویت داشت، نوعی مدیریت تنش در حوزه بین‌المللی، قرار داشتن ذیل قطعنامه‌های فصل هفتمی منشور ملل متحد تحت عنوان «تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی» و نیز تبعات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن بود. در چنین فضایی، گفت‌وگو طرفدار تنش‌زدایی در سیاست خارجی توانست جامعه را در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ به جنب و جوش آورده و پیروزی را از آن خود کند.

در دوران مذکور، مهم‌ترین ادبیات تولید شده در مورد سیاست خارجی ایران و واکنش محیط بین‌المللی، متمرکز بر امنیتی‌سازی کردن جمهوری اسلامی ایران از طریق امنیتی‌سازی کردن برنامه هسته‌ای آن و به خصوص غنی‌سازی اورانیوم بود. برای مثال در کتاب *نظم جهانی*، که در سال ۲۰۱۴ منتشر شد، هنری کیسینجر برنامه‌ی هسته‌ای ایران را بالقوه پوششی برای ساخت بمب هسته‌ای معرفی می‌کند و می‌گوید ... بهترین پوشش برای ساخت بمب هسته‌ای، داشتن برنامه‌ی غنی‌سازی است و این را نظر تمام اعضای ۱+۵ می‌داند که موافق قطعنامه‌های ششگانه شورای امنیت ملل متحد علیه این برنامه بوده‌اند... (Kissinger, 2014: 161).

حتی در خلال گفتگوهای منتهی به برجام نیز اسرائیل به عنوان مهم‌ترین عامل امنیتی‌سازی جمهوری اسلامی ایران و برنامه هسته‌ای آن، به طور علنی تمام تلاش خود را مصروف بر هم زدن تمام آنچه در حال رخ دادن بود کرد و مقامات آن قائل بودند که ... مادامی که اسرائیل در گفتگوها نیست، هیچ نتیجه‌ای برای این رژیم الزام آور نخواهد بود و بنابراین با تمام قوا بر سر هر آنچه میان ایران و ایالات متحده توافق شود خواهد ایستاد... که این موضوع خود مؤید همین فرآیند افزایش هزینه برای ایران بود (Parsi, 2017: 353).

جریان اعتدال‌گرا بر این باور است که با محور قرار دادن عقلانیت به معنای تأمین مصلحت کشور و نظام از طریق بهینه‌سازی توازن محاسبه‌ی هزینه و فایده در موضوعات سیاست خارجی می‌توان ضمن حفظ مواضع اصلی کشور، با رعایت اصول احترام متقابل بین‌المللی، اولاً از اجماع علیه کشور در یک موضوع خاص و یا به بهانه‌ی آن جلوگیری کرد، ثانیاً به فضا‌سازی به سود کشور کمک کرد، ثالثاً به حل و فصل موضوع انضمامی و مشخص با راه حل مشخص اقدام کرد و چهارم با ارتقای سطح تعاملات بین‌المللی، جمهوری اسلامی ایران را در دیگر موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی به جای «بخشی از مشکل» به عنوان بخشی از راه حل مطرح کرد.

دولت بر آمده از جریان اعتدال در این دوره همچنان تلاش می‌کند با مبنا قرار دادن رویکرد سیاسی و حقوقی در محیط بین‌المللی از افزایش سطح تنش جلوگیری کند، مشروعیت موضع خود را از دست ندهد (که از همین رو تا یک سال پس از خروج ایالات متحده از برجام همچنان به

^۱. جمهوری اسلامی ایران در آغاز دولت یازدهم (مرداد ۱۳۹۲) ذیل شش قطعنامه شورای امنیت ملل متحد (۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵ و ۱۹۲۹) قرار داشت که همگی در بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ و در دولت محمود احمدی

نژاد صادر شده بودند.

^۲. Optimization

تعهدات برجامی خود به طور کامل پایبند بود و حتی ذیل بندهای پیش‌بینی شده در برجام به اقدامات جبرانی دست نزد که گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مؤید این معنا هستند) و با میانه‌روی از اجماع‌سازی و تغییر فضا علیه سیاست‌های کشور و «تعویض جای مجرم و مُحق» در مورد خروج از برجام در محیط بین‌المللی جلوگیری کند. البته اجماع جهانی در شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد و نیز توفیق دریافت رأی از دیوان بین‌المللی دادگستری را می‌توان دستوراد این رویکرد قلمداد کرد. در عین حال مهم است که تأکید شود که... استفاده از موقعیت و دستیابی به چنین راه حل دیپلماتیکی از نظر آمریکا، لاقلاً در دولت وقت، نیز یک فرصت محسوب می‌شده است... و این نشان از وجود یک راه حل با حاصل جمع مثبت برای مشکلی اینچنین میان دو دولت است که می‌توان آن را پارادایم مسلط بر دولت وقت در ایران نیز دانست (Burns, 2019: 337).

باید ذکر کرد که... تفاوت در رویکردهای دولت یازدهم با دولت قبل، به سادگی و از روی نشانه-شناسی‌هایی مانند توانمندی مذاکراتی و ارائه به میل به نتیجه از سوی تیم آمریکایی هم قابل تشخیص بود... و این خود نشان از تفاوت عمیق در میزان تأثیرگذاری و حتی برقراری ارتباط میان طرف‌های مذاکراتی است که در دوران پیش‌تر، در حداقل خود قرار داشت (Sherman, 2018: 33).

پس و پشت این تصمیمات و رویکرد همچنان این تحلیل قرار داشت که: اولاً افزایش سطح تنش به سود موضع جمهوری اسلامی ایران نیست و دوم اینکه حفظ مشروعیت بین‌المللی درها را برای حل مسالمت آمیز موضوع در آینده پس از ترامپ باز خواهد گذاشت. از این رو حتی در اوج تنش‌های تزریق شده از سوی ایالات متحده آمریکا، گفتمان اعتدال اولاً بر مانع بودن تحریم و فشار سیاسی برای توسعه و دوم بر حل مسالمت آمیز موضوع از طریق گفتگوی مبتنی بر احترام متقابل تأکید می‌کرد که در جدول ۱ مندرج و قابل رؤیت است.

۴-۱- تحلیل گفتمان سخنرانی‌های حسن روحانی و محمدجواد ظریف درباره برجام

تحلیل گفتمان بر اساس الگوی فرکلایف			منبع
سطح سوم (تبیین)	سطح دوم (تفسیر)	سطح اول (توصیف)	
تنش‌زدایی بین-المللی، عادی-سازی ایران در صحنه بین‌الملل، همکاری بین-المللی، اجماع سازی بین‌المللی.	حسن روحانی تلاش می‌کند کشور را از کانون توجّه بین-المللی خارج کند و در عرصه‌ی جهانی یارگیری کند تا بتواند با رویکرد همکارانه دیپلماتیک موضوع هسته‌ای را به یک موضوع عادی بدل کرده و از فشارها و اجماع‌های آتی علیه ایران جلوگیری کند. اولویت در این رویکرد عدم ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت ملل متحد است.	در این زمان (که دولت محمد خاتمی بر سر کار است و موضوع اختلاف‌های هسته‌ای در حال شروع است) وضعیت بین‌المللی کشور در آستانه‌ی تنش ارزیابی می‌شود. رویکرد اصلی برای حلّ مسأله، افزایش همکاری بین‌المللی با سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای تأثیرگذار برای رفع نگرانی‌ها و در نتیجه رفع تنش است. رویکرد اصلی، دیپلماسی و اجماع‌سازی به سود کشور و همراه کردن کشورهای قدرتمند است و هدف اصلی عدم اجازه ایجاد اجماع بین-المللی علیه کشور و تأثیرگذاری بر شرایط اقتصادی و اجتماعی.	کتاب امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای صفحه (۱۵۵) - (۱۵۸)

جدول نمونه شماره ۱ در سه سطح تحلیل

Table of sample #1 in Three Levels of Analysis

منبع: (نویسندگان بر اساس روش مقاله، ۱۴۰۳)؛ (Athours, 2025)

حسن روحانی تلاش می‌کند از تنش‌های بین‌المللی دوری جوید و با همکاری‌های دیپلماتیک، مسئله هسته‌ای ایران را به یک موضوع عادی تبدیل کند تا از اجماع‌های بین‌المللی علیه ایران جلوگیری نماید. اولویت اصلی جلوگیری از ارجاع پرونده هسته‌ای به شورای امنیت ملل متحد است. در دوره‌ی دولت محمد خاتمی و با شروع اختلافات هسته‌ای، رویکرد کشور بر افزایش همکاری با سازمان‌های بین‌المللی و قدرت‌های تأثیرگذار برای کاهش تنش‌ها متمرکز است.

تحلیل گفت‌وگو بر اساس الگوی فرکلان			منبع
سطح سوم (تیین)	سطح دوم (تفسیر)	سطح اول (توصیف)	
تاکید بر احترام متقابل و همکاری برای حل مشکلات و تبدیل ایران به بخشی از راه حل در مسائل بین‌المللی. امید به حل مساله هسته‌ای از طریق مذاکره. پیشنهاد صلح مبتنی بر همکاری بین‌المللی. تبیین راه حل میانه برای تثبیت حقوق هسته‌ای و ضمانت اعتمادسازی بین‌المللی. حل مسائل بین‌المللی از طریق همکاری.	روحانی بر پشتوانه‌ی رأی خود و سازوکار دموکراتیک انتخابش تأکید می‌کند. او راه حل مشکلات را اعتدال و تعامل دانسته و رویکردهای نظامی را تقبیح می‌کند. همه موضوعات بین‌المللی شامل موضوع هسته‌ای ایران را با تأکید بر حق هسته‌ای و لزوم اعتمادسازی، قابل حل از طریق دیپلماسی و احترام متقابل می‌داند. او بر همکاری بین‌المللی تأکید و تلاش می‌کند ایران را در موضوعات مختلف به خصوص موضوعات منطقه‌ای به جای «بخشی از مشکل» به عنوان «بخشی از راه حل» معرفی کند. روحانی با پیشنهاد شعار «جهان علیه خشونت و افراطی‌گری» خود را منادی صلح در موضوع داعش و التهابات روز جهان معرفی و تلاش می‌کند ابتکار عمل را در پیشنهاد صلح در دست بگیرد و تهدید را خنثی کند.	در فضای اجماع جهانی علیه ایران که تحریم‌های یک‌جانبه‌ی امریکا و اروپا و نیز تحریم‌های شورای امنیت ملل متحد علیه ایران وضع و اجرا شده و شش قطعنامه فصل هفتمی ملل شورای امنیت متحد ایران را به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی معرفی کرده و این فضای اقتصادی، نفتی، بانکی و بازرگانی کشور را به شدت تحت فشار قرار داده است، حسن روحانی - که به عنوان تکنوکراتی پرسابقه و میانه‌رو که تجربه دیپلماسی هسته‌ای را هم دارد شناخته می‌شد- با رویکرد و شعار مذاکره و رفع تحریم در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲ پیروز شد.	سخت‌افزار دگر روحانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد ۱۳۹۲

جدول نمونه شماره ۲ در سه سطح تحلیل

Table of sample #2 in Three Levels of Analysis

منبع: (نویسندگان بر اساس روش مقاله، ۱۴۰۳)؛ (Athours, 2025)

^۱. World Against Violence and Extremism (WAVE)

^۲. قطعنامه‌های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵ و ۱۹۲۹ شورای امنیت ملل متحد مصوب از ۱۳۸۵/۵/۹ تا ۱۳۸۹/۳/۱۹.

(ظریف و دیگران، ۱۴۰۰ الف: ۵۰۹)؛ (Zarif and others, 2021A: 509).

روحانی، با تأکید بر احترام متقابل و همکاری بین‌المللی، ایران را به عنوان بخشی از راه حل در مسائل جهانی معرفی می‌کند و خواهان حل مسئله هسته‌ای از طریق دیپلماسی است. او راه حل‌های میانه‌ای برای تثبیت حقوق هسته‌ای و اعتمادسازی بین‌المللی را پیشنهاد می‌دهد و با شعار «جهان علیه خشونت و افراط‌گری»، صلح را ترویج می‌کند. با تجربه دیپلماسی هسته‌ای و رویکرد میانه‌رو، روحانی در انتخابات ۱۳۹۲ با وعده مذاکره و رفع تحریم‌ها پیروز شد.

تحلیل گفتمان بر اساس الگوی فرکلاف			منبع
سطح سوم (تبین)	سطح دوم (تفسیر)	سطح اول (توصیف)	
تأکید بر حق حاکمیت ملی، تثبیت حقوق ملی و لزوم احتراز همگان از توهین و تهدید ایران برای رسیدن به نتیجه. تلاش برای عادی‌سازی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک حاکمیت مستقر.	روحانی بر حق حاکمیت ملی تأکید می‌کند و ضمناً راه را برای اقدامات اعتمادسازی منظور رسیدن به عادی‌سازی شرایط از راه گفتگو باز نگاه می‌دارد. او زبان تهدید را ناکارآمد و قهراً موجب واکنش تند از سوی ایران می‌داند و تلاش می‌کند این موضوع را تفهیم کند که در صورت رویکرد برابر و محترمانه، ایران ضمن حفظ حقوق خود و به عنوان کشوری عادی در مورد دغدغه‌های احیاناً موجود گفتگو و همکاری خواهد کرد.	در بدو به قدرت رسیدن گفتمان مذاکره و بازسازی روابط خارجی در ایران و در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک افکار عمومی بین‌المللی به دنبال فهم دقیقی از موضع دولت جدید است. روحانی تلاش می‌کند تا با ابراز موضع مستحکم ضمن همکاری با قدرت‌های جهانی و نهادهای بین‌المللی افکار عمومی را با خود همراه کند و اقدامات ایران را نه از سرانفعال و پاسخگویی به اتهامات بلکه به قصد همکاری و اعتمادسازی برای رفع تحریم‌ها و محدودیت‌های بی‌وجه معرفی و در افکار عمومی بین‌المللی موضع بالا اتخاذ کند.	مصاحبه درمیان روحانی با کریستین امان‌پور در سی‌ان‌ان، ۲۰۱۳

جدول نمونه شماره ۳ در سه سطح تحلیل

Table of sample #3 in three levels of analysis

منبع: (نویسندگان بر اساس روش مقاله، ۱۴۰۳)؛ (Athours, 2025)

روحانی بر حق حاکمیت ملی تأکید می‌کند و می‌کوشد از طریق گفتگو و همکاری‌های بین‌المللی، ایران را به عنوان یک حاکمیت مستقر عادی‌سازی کند. او به اهمیت اجتناب از زبان تهدید و توهین به ایران اشاره کرده، و معتقد است که رفتارهای محترمانه می‌تواند به همکاری و حل مسائل کمک کنند. در مصاحبه با کریستین امان‌پور در سی‌ان‌ان، روحانی تلاش می‌کند تا مواضع ایران را نه به عنوان پاسخ به اتهامات بلکه به قصد اعتمادسازی و همکاری جهانی برای رفع تحریم‌های بی‌وجه عرضه کند.

منبع	تحلیل گفتمان بر اساس الگوی فرکلاف		
	سطح اول (توصیف)	سطح دوم (تفسیر)	سطح سوم (تبیین)
سفراتی دکتر روحانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد ۱۳۹۳	در فضای متأثر از حضور داعش و دیگر گروه‌های تکفیری در منطقه که به بحرانی جهانی بدل شده بود، روحانی که به تازگی قدرت را در ایران در دست گرفته و به توافق موقت با گروه ۱+۵ دست یافته و در حال مذاکراتی پیش رونده با قدرت‌های جهانی است، خود را با رویکرد تازه‌اش مبنی بر عمل به تعهدات به عنوان بازیگری فعال و بخشی از راه حل در موضوعاتی فراتر از پرونده‌ی هسته‌ای به خصوص در موضوعات امنیتی منطقه معرفی می‌کند.	روحانی تلاش می‌کند تا بین المللی‌گرایی و احتراز از روش‌های سخت در پیش‌برد منافع را به عنوان رویکرد موثر معرفی کند و غرب را در مورد معضلات بین‌المللی به اتخاذ همگرایی و راه‌حل‌های برد-برد ترغیب کند. او اجرای موثر تعهدات را سیاست قطعی ایران بیان می‌کند و رویکردهای حاکم بر مذاکرات برجام را الگویی برای دیگر معضلات بین‌المللی بر می‌شمرد.	بین‌المللی‌گرایی و اتخاذ رویکردهای نرم و تعامل-های سازنده دیپلماتیک و راه‌حل‌های مشترک به عنوان راه حل معضلات بین‌المللی. پیشنهاد تعامل سازنده با کشورهای همسایه برای تأمین منافع همگان. پیشنهاد رویکردهای تعاملی و کم هزینه به جهان و منطقه و معرفی ایران به عنوان کشوری با سیاست خارجی تعامل گرایانه در منطقه و جهان.

جدول نمونه شماره ۴ در سه سطح تحلیل

Table of sample #4 in three levels of analysis

منبع: (نویسندگان بر اساس روش مقاله، ۱۴۰۳)؛ (Athours, 2025)

روحانی بر بین‌المللی‌گرایی و اتخاذ رویکردهای دیپلماتیک نرم و سازنده تأکید دارد و پیشنهاد تعامل سازنده با کشورهای همسایه و جهانیان را برای حل معضلات بین‌المللی مطرح می‌کند. او ایران را به عنوان کشوری با سیاست خارجی تعامل‌گرا معرفی کرده و تلاش دارد تا با الگوبرداری از رویکردهای برجام، راه‌حل‌های برد-برد را برای دیگر مسائل جهانی پیشنهاد دهد. در عرصه بین‌المللی، به ویژه در مواجهه با چالش‌های امنیتی منطقه‌ای مانند حضور داعش، روحانی با تعهد به اجرای موثر تعهدات، خود را به عنوان فعال و بخشی از راه حل در مسائل فراتر از پرونده هسته‌ای معرفی می‌کند.

¹. Win-win solutions

منبع	تحلیل گفتمان بر اساس الگوی فرکلاف		
	سطح اول (توصیف)	سطح دوم (تفسیر)	سطح سوم (تبیین)
متن سخنران دکتر روحانی در گفت و گوی زنده و تلویزیونی با مردم شناسه خبر: سه شنبه ۱۳۹۴/۰۳/۲۳	هنگام به نتیجه رسیدن مذاکرات هسته‌ای و انعقاد قراردادی سیاسی، روحانی که رویکرد خود را موفق به حلّ یکی از پیچیده‌ترین معضلات کشور می‌بیند، ضمن عرضه کردن توفیق رویکرد خود در تعامل با جهان و حلّ مشکل از این راه، مذاکرات را در رسیدن به اهداف هسته‌ای، ضدّ تحریمی و امنیتی خود موفق معرفی می‌داند. از نظر روحانی این نقطه، آغازی است برای رفع تنش‌های دیگر در سیاست خارجی ایران و در نتیجه آغاز روند توسعه و ارتقای موقعیت ایران در فضای بین‌المللی.	روحانی رویکرد مذاکره را به معنای راه حلّ پرفایده و کم‌هزینه برای مشکلات سیاست خارجی کشور معرفی می‌کند. او معنای مذاکره را از جنس همکاری مشترک قلمداد کرده و هدف را توافقی برد-برد می‌داند. در عین حال همزمان با مذاکره ساماندهی اوضاع داخلی اقتصاد و غیره را مهم و بر مذاکرات مؤثر قلمداد می‌کند. او توافق هسته‌ای را توافقی هسته‌ای، اقتصادی، امنیتی بر می‌شمرد.	کاهش هزینه‌های کشور به واسطه رفع تنش در سیاست خارجی. تأمین منافع ملی شامل هسته‌ای، اقتصادی و امنیتی از راه مذاکره. ارتقای شاخص‌های اقتصادی مؤثر بر مذاکرات. حفظ توان هسته‌ای، رفع تحریم‌ها و رفع تهدیدها به عنوان اهداف برجام. تثبیت حقوق ملی، رفع تحریم، تنش-زدایی و عادی‌سازی ایران در محیط بین-المللی.

جدول نمونه شماره ۵ در سه سطح تحلیل

Table of sample #5 in three levels of analysis

منبع: (نویسندگان بر اساس روش مقاله، ۱۴۰۳)؛ (Athours, 2025)

روحانی با تأکید بر رویکرد مذاکره به عنوان راه‌حلی اقتصادی و کارآمد، کاهش هزینه‌های کشور را از طریق تنش‌زدایی در سیاست خارجی دنبال می‌کند. او تأمین منافع ملی از جمله در زمینه‌های هسته‌ای، اقتصادی، و امنیتی را از طریق مذاکره پیگیری می‌کند و اهداف برجام را در حفظ توان هسته‌ای، رفع تحریم‌ها، و رفع تهدیدها قرار داده است. در نتیجه مذاکرات هسته‌ای و توافق سیاسی حاصل شده، روحانی رویکرد خود را در عرصه بین‌المللی موفق ارزیابی می‌کند و این را به عنوان آغازی برای رفع سایر تنش‌ها و توسعه موقعیت ایران در جهان می‌بیند.

منبع	تحلیل گفتمان بر اساس الگوی فرکلاف		
	سطح اول (توصیف)	سطح دوم (تفسیر)	سطح سوم (تبیین)
سخت‌نژادی دکتر محمد جواد ظریف در جلسه Chatham در ۲۰۱۶ در لندن house	در شرایطی که برجام به عنوان محصول مذاکراتی چندجانبه در حال اجراست، ظریف در نشستی معروف و بین‌المللی ^۱ رویکردهای مشترک را که الگویی از برجام می‌گیرند به عنوان راه حل معضلات بی‌مرزِ روزِ جهان بر می‌شمرد.	ظریف مشکلات اساسی بشر را بدون مرز قلمداد می‌کند و بنابراین راه حل آنها را هم از جنس همکاری در محیط بین‌المللی و کنشگری همه‌ی بازیگران. ظریف اتخاذ رویکردهای یکجانبه‌گرایانه ^۲ و بازی‌های با حاصل جمع صفر ^۳ را برای حل مسائل، بی‌فایده می‌داند.	چندجانبه‌گرایی ^۴ و همکاری بین-المللی برای رسیدن به راه‌حل-های مشترک در مواجهه با چالش-های بین‌المللی.

جدول نمونه شماره ۶ در سه سطح تحلیل

Table of sample #6 in three levels of analysis

منبع: (نویسندگان بر اساس روش مقاله، ۱۴۰۳)؛ (Athours, 2025)

ظریف چندجانبه‌گرایی و همکاری بین‌المللی را برای حل چالش‌های جهانی تأکید می‌کند و مشکلات اساسی بشریت را بی‌مرز می‌داند، بنابراین معتقد است که راه‌حل آن‌ها نیز باید از طریق همکاری‌های جهانی و فعالیت همه بازیگران صورت گیرد. او رویکردهای یکجانبه‌گرایانه و راه‌حلهایی با حاصل جمع صفر را ناکارآمد می‌داند. ظریف، در نشستی بین‌المللی، با تأکید بر این نکته که برجام می‌تواند به عنوان الگویی برای حل معضلات بین‌المللی استفاده شود، به اهمیت همکاری‌های مشترک و چندجانبه اشاره می‌کند.

منبع	تحلیل گفتمان بر اساس الگوی فرکلاف		
	سطح اول (توصیف)	سطح دوم (تفسیر)	سطح سوم (تبیین)
نخستین خبری دکتر حسن روحانی با خبرگزاری در ۲۷ دیماه سال ۱۳۹۴	روحانی در اولین حضور رسانه‌ای خود در ساعاتی پس از اجرایی شدن برجام در پاسخ به انتظارات اقتصادی مذاکرات دستاورد حاصل شده زمینه‌ای برای آغاز گشایش‌های اقتصادی و جذب ایران در اقتصاد جهانی معرفی می‌کند و از مانع‌زدایی برای همه بازیگران داخلی و خارجی اقتصاد ایران سخن می‌گوید. او در این سخنان بر بهبود فضای بین‌المللی و فراهم بودن محیط توسعه و افکار عمومی بین‌المللی در مورد ایران تأکید می‌کند.	رفع تحریم‌ها به عنوان برداشته شدن مانع هزینه‌زا در اقتصاد. کاستن از هزینه‌های اقتصاد و سرمایه‌گذاری در ایران.	رفع تحریم، افزایش فایده و کاهش هزینه تجارت و تولید در نتیجه تعامل سازنده. جذب شدن در اقتصاد جهانی و بین‌المللی‌گرایی در اقتصاد.

جدول نمونه شماره ۷ در سه سطح تحلیل

Table of sample #7 in three levels of analysis

منبع: (نویسندگان بر اساس روش مقاله، ۱۴۰۳)؛ (Athours, 2025)

^۱. Multilateralism

^۲. Unilateral

^۳. Zero-sum games

^۴. Chatham House (Royal Institute of International Affairs)

روحانی، در اولین حضور رسانه‌ای خود پس از اجرایی شدن برجام، به دستاوردهای اقتصادی این توافق اشاره می‌کند و آن را زمینه‌ساز گشایش‌های اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری بین‌المللی در ایران می‌داند. او تأکید می‌کند که رفع تحریم‌ها موانع هزینه‌زا را از میان برداشته و فرصت‌های جدیدی برای اقتصاد و سرمایه‌گذاری در ایران فراهم آورده است. روحانی همچنین بر بهبود فضای بین‌المللی و تغییر نگرش‌های جهانی نسبت به ایران به عنوان فضایی مناسب برای توسعه و همکاری‌های اقتصادی تأکید می‌کند.

تحلیل گفتمان بر اساس الگوی فرکلایف			منبع
سطح اول (توصیف)	سطح دوم (تفسیر)	سطح سوم (تبیین)	
پس از خروج آمریکا از برجام و تحمیل فشار حداکثری بر ایران در حوزه‌های امنیتی و اقتصادی و ترور سردار سلیمانی ^۱ و رفتن تا نزدیکی جنگ میان ایران و ایالات متحده، در آستانه انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا با رقابت میان ترامپ و رقیب دموکراتش، روحانی با وام گرفتن از آموزه‌های تاریخ شیعی در مورد صلح، بر اتخاذ رویکردهای صلح و جنگ در شرایط متناسب تأکید می‌کند. او موضع مناسب را روش کار خود در مواجهه با شرایط مختلف بیان کرده و از این راه دولت خود را آماده هر دو واکنش در تناسب با شرایط معرفی می‌کند.	تأکید بر موضع متناسب با شرایط. روحانی تأکید می‌کند که در صورتی که صلح و سازش و بازگشت به راه حل - های نرم ترک مخاصمه ممکن باشد، ایران آمادگی لازم را برای بازگشت به رویکرد سازنده خود خواهد داشت.	صلح به عنوان هدف قابل پیگیری در محیط بین‌المللی. سازوکارهای نرم برای حل مسئله.	سفری روحانی در نشست دولت در ۳۳ شهریور ۱۳۹۹

جدول نمونه شماره ۸ در سه سطح تحلیل

Table of sample #8 in three levels of analysis

منبع: (نویسندگان بر اساس روش مقاله، ۱۴۰۳)؛ (Athours, 2025)

روحانی بر اهمیت صلح به عنوان هدف قابل پیگیری در محیط بین‌المللی تأکید می‌کند و بر آمادگی ایران برای اتخاذ سازوکارهای نرم و بازگشت به رویکردهای سازنده در صورت امکان ترک مخاصمه اشاره دارد. وی، در پاسخ به خروج آمریکا از برجام و فشارهای اقتصادی و امنیتی که به دنبال آن به ایران وارد آمد و حتی پس از ترور سردار سلیمانی، که تنش‌ها را به شدت افزایش داد، همچنان بر اهمیت صلح و تعامل تأکید دارد. در آستانه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و با توجه به رقابت میان ترامپ و نامزد دموکرات، روحانی با الهام از آموزه‌های تاریخ شیعی، استراتژی خود را بر اساس شرایط متناسب تنظیم می‌کند و دولت خود را آماده هر دو نوع واکنش، جنگ یا صلح، بر اساس شرایط می‌داند.

^۱. ۱۳۹۸/۱۰/۱۳

^۲. جو بایدن

۴-۲- تحلیل گفتمان مواضع مخالف درباره سیاست تشزداپی و برجام

منبع	تحلیل گفتمان بر اساس الگوی فرکلاف		
	سطح اول (توصیف)	سطح دوم (تفسیر)	سطح سوم (تبیین)
چکیده برنامه های اقتصادی سعید جلیلی، اصولگرا، خرداد ۱۳۹۲	کارزار انتخاباتی سعید جلیلی در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲ محورهای برنامه های اقتصادی خود را دارای اهدافی بر می شمرد که هیچیک به گشایش فضای بین المللی پیرامون کشور اشاره ندارد: ایجاد زمینه به منظور اعتلای معنوی انسانها، عدالت اقتصادی، استقلال اقتصادی، رفاه عمومی و رشد اقتصادی که جملگی راهکارها و رویکرد داخلی دارند.	کارزار پیرامون سعید جلیلی که گفتمانی غیر تعاملی با محیط بین المللی را در انتخابات نمایندگی می کند مساله اصلی کشور را که مد نظر افکار عمومی است از گلوگاه مد نظر افواه و عمده نخبگان سیاسی، یعنی روابط خارجی کشور، مستقل معرفی می کند و نه تنها در راهکارها بلکه در اهداف هم گشایش بین المللی را در دستور کار ندارد.	گشایش فضای بین المللی و خروج از ذیل تحریم اساساً جز اهداف و ضرورت های اقتصاد کلان کشور نیست. تمامی اهداف در این زمینه سخنی آرمانی و راه حل های داخلی دارند.

جدول نمونه شماره ۹ در سه سطح تحلیل

Table of sample #9 in three levels of analysis

منبع: (نویسندگان بر اساس روش مقاله، ۱۴۰۳)؛ (Athours, 2025)

کارزار سعید جلیلی در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲ بر گفتمان غیر تعاملی با محیط بین المللی تأکید داشت و اهداف اقتصادی خود را بر پایه ی راهکارهای داخلی معطوف به اعتلای معنوی انسانها، عدالت اقتصادی، استقلال اقتصادی، رفاه عمومی، و رشد اقتصادی قرار داد. جلیلی و دیدگاه های او به وضوح نشان دهنده یک رویکرد مستقل و بی توجه به گشایش بین المللی و خروج از زیر سایه تحریم ها به عنوان اهداف اصلی بود. این گفتمان، که بر استقلال و راه حل های داخلی تأکید دارد، در تضاد با رویکردهای تعاملی دیگر نامزدها، که ممکن است بر اهمیت روابط بین الملل و گشایش اقتصادی تأکید داشته باشند، قرار می گیرد.

منبع	تحلیل گفتمان بر اساس الگوی فرکلاف		
	سطح اول (توصیف)	سطح دوم (تفسیر)	سطح سوم (تبیین)
چکیده برآه‌های اقتصادی سید جلیلی، اصم‌الغراء، خرداد ۱۳۹۲	اصول حاکم بر نامه ریزی اقتصاد مقاومتی هیچ نسبتی با امور خارجی ندارند. فشار نه تنها موجب عقب افتادگی نمی شود بلکه مقاومت در برابر آن اساساً موجب پیشرفت است. همچنین جوهرهای اصلی این رویکرد کلان نظیر عدالت ساختاری، مدیریت و تولید جهادی و مردمی شدن اقتصاد کشور را بی نیاز به هیچ گشایش ضروری و در نتیجه تساهل در امور خارجی به اعتلای اقتصادی متناسب با اهداف تعیین شده می‌رساند.	تاکید بر گشایش اقتصادی به مثابه امر داخلی که نتیجه تلاش جهادی است. گشایش در امور خارجی و خروج از تحریم‌های بین‌المللی و تحریم‌های شورای امنیت ملل متحد اموری هستند که اولاً تأثیر مهمی بر امور داخلی و از جمله اقتصاد ندارند و ثانیاً می‌بایست نه به مثابه ضرورتی برای مسائل کشور بلکه در اثر مقاومت حاصل شوند.	اقتصاد امری است داخلی و قابل مدیریت و اصلاح. گشایش در سیاست خارجی اولویت اقتصاد نیست و هزینه‌های آن قابل اغماض است. در برابر فشار خارجی می‌بایست رویکردی فارغ از هزینه‌های مفروض اقتصادی بلکه مبتنی بر مقاومت برگزید.

جدول نمونه شماره ۱۰ در سه سطح تحلیل

Table of sample #10 in three levels of analysis

منبع: (نویسندگان بر اساس روش مقاله، ۱۴۰۳)؛ (Athours, 2025)

این دیدگاه که در برابر فشارهای بین‌المللی بایستی رویکردی مبتنی بر مقاومت اتخاذ شود و تمرکز بر اقتصاد داخلی و مدیریت استقلال‌طلبانه آن مطرح است، نشان دهنده یک استراتژی اقتصاد مقاومتی است. در این چارچوب، گشایش در سیاست خارجی و تلاش برای خروج از تحریم‌های بین‌المللی نه تنها اولویت نیست، بلکه به عنوان عناصری قابل اغماض دیده می‌شود. اصل بر این است که فشار خارجی نه تنها مانعی برای پیشرفت نیست بلکه فرصتی برای تقویت پایه‌های اقتصاد داخلی از طریق تولید جهادی، مردمی شدن اقتصاد و افزایش عدالت ساختاری محسوب می‌شود. این رویکرد اقتصاد مقاومتی به دنبال تحکیم استقلال و رفع وابستگی به عوامل خارجی است، با هدف ارتقا اقتصادی مستقل از شرایط و تحولات بین‌المللی.

منبع	تحلیل گفتمان بر اساس الگوی فر کلاف		
	سطح اول (توصیف)	سطح دوم (تفسیر)	سطح سوم (تبیین)
سعد الله زارعی - ۲۰ خرداد ۱۳۹۸ سایت مقام معظم رهبری	سعد الله زارعی در فضایی که خروج ترامپ از برجام رقم زده و هر روز تهدید به جنگ وجود دارد جنگ را موقعیتی بر می شمرد که نمی توان با مذاکره از آن جلوگیری کرد. بلکه صرفاً با افزایش هزینه های بالقوه مهاجم قوی تر است که می توان از آن جلوگیری کرد. به دست آوردن سلاح های پیشرفته تر و بازدارندگی از جنس تسلیحاتی است که می تواند مانع جنگ شود و نه مذاکره و بالا بردن هزینه های اعتباری طرف مقابل.	می بایست به سراغ تامین تجهیزات نوین دفاعی و جنگی رفت و کسب و افزایش قدرت سخت نظامی را در اولویت بازدارندگی قرار داد. رویکردهای دیگر شامل تنش زدایی و مشروعیت زایی بین المللی و نیز ارتقای اقتصادی و اجتماعی در اولویت این معنا قرار ندارند.	اولویت در مساله بازدارندگی تنوع تسلیحاتی و تکنولوژیک آن است. سیاست های نرم کارآمدی لازم را در محیط بین المللی ندارند.

جدول نمونه شماره ۱۱ در سه سطح تحلیل (تحلیل نویسندگان بر اساس روش مقاله)

Table of sample #11 in three levels of analysis

منبع: (نویسندگان بر اساس روش مقاله، ۱۴۰۳)؛ (Athours, 2025)

استراتژی دفاعی مطرح شده توسط سعد الله زارعی بر افزایش توان بازدارندگی نظامی از طریق تقویت قدرت سخت و تسلیحات پیشرفته تاکید دارد. در این دیدگاه، رویکردهای نرم مانند مذاکره و تنش زدایی کارآمدی لازم را در مواجهه با تهدیدات بین المللی ندارند. زارعی معتقد است که در شرایطی که تهدیدات نظامی وجود دارد و خصوصاً پس از خروج ترامپ از برجام و تشدید تهدیدات، تنها با افزایش هزینه های بالقوه برای مهاجم و توسعه تکنولوژی های نظامی پیشرفته می توان به بازدارندگی موثر دست یافت. این رویکرد بر این فرض استوار است که توانایی نظامی و تهدید به استفاده از آن می تواند از وقوع جنگ جلوگیری کند و مذاکره یا سیاست های اقتصادی و اجتماعی نمی توانند به تنهایی امنیت را تضمین کنند.

منبع	تحلیل گفتمان بر اساس الگوی فرکلاف		
	سطح اول (توصیف)	سطح دوم (تفسیر)	سطح سوم (تبیین)
محمد واعظی - روزنامه وطن امروز، ۱۳۹۴	واعظی معتقد است که گفتمانی که مسیر تنش زدایی در محیط بین‌المللی را ضرورت اول کشور قلمداد کرده است در حال فروش استقلال کشور برای دستیابی به توافق به هر قیمتی است. او رویکرد مذاکره کنندگان را به تاراج دادن تمام دستاوردهای استقلال کشور در پس از انقلاب می‌داند و معتقد است کشور در تمامی حوزه‌ها از جمله نیازهای عادی و روزمره خوراک نیز به استضعاف و وابستگی خواهد افتاد.	توافق در محیط بین‌المللی و تنش زدایی هسته‌ای چاره کار اقتصاد کشور و کمک به اقتصاد مردم نیست. برای گشایش اقتصادی به دنبال راهکارهای دیگر از جمله مقاومت باید بود و گشایش تحریم‌ها تاثیری در زندگی مردم نخواهد داشت. این رویکرد کشور را در تهیه تمامی اقلام مجدداً وابسته کرده و دستاوردهای ۳۵ ساله پس از انقلاب را به تاراج خواهد داد.	تنش زدایی در سیاست خارجی وادادگی و وابستگی است. نباید برای گشایش اقتصادی با جهان مذاکره کرد. تحریم‌ها بر اقتصاد کشور بی‌اثرند. استقلال کشور در صورت توافق هسته‌ای از بین خواهد رفت. رویکرد تعامل خارجی خیانت آمیز و وابستگی آور است.

جدول نمونه شماره ۱۲ در سه سطح تحلیل

Table of sample #12 in three levels of analysis

منبع: (نویسندگان بر اساس روش مقاله، ۱۴۰۳)؛ (Athours, 2025) Source:

در این دیدگاه، تنش‌زدایی و تعامل با جامعه بین‌المللی به عنوان نشانه‌ای از وادادگی و خطری برای استقلال ملی تلقی می‌شود. منتقدان این رویکرد، مانند واعظی، بر این باورند که توافقات بین‌المللی و تلاش برای کاهش تحریم‌ها به قیمت وابستگی بیشتر کشور به جامعه جهانی تمام خواهد شد و به نابودی دستاوردهای استقلال‌طلبانه چند دهه اخیر منجر می‌شود. آن‌ها استقلال اقتصادی و خودکفایی را به عنوان مبنایی برای مقاومت در برابر فشارهای خارجی می‌بینند و معتقدند که این نوع تعامل خارجی، که با هدف از بین بردن موانع اقتصادی صورت می‌گیرد، در واقع به تضعیف بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی کشور منجر خواهد شد. این نگرش بر این فرضیه استوار است که تحریم‌ها بر اقتصاد کشور تأثیر چندانی ندارند و می‌توان با تکیه بر منابع داخلی و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، چالش‌های پیش رو را مدیریت کرد. بر این اساس، اولویت با رویکردهای داخلی و استقلال‌جویانه است، و هرگونه تنازل در عرصه بین‌المللی به معنای فدا کردن منافع و امنیت ملی تلقی می‌گردد. از آنجا که مسئولیت ارائه‌ی پیشنهاد برای سیاست‌گذاری خارجی با نخبگان سیاسی

جامعه است، کیفیت عقلانیت آنها به نتایج متنوعی در سیاست‌گذاری خارجی منجر می‌شود که جامعه در پی آن نتایج و سرنوشت‌های مختلفی را از سر خواهد گذراند. بر همین مبنا در گفتمان برجام زیر سایه عقلانیت، حسن روحانی در هر مقطع تلاش می‌کند این پیام را منتقل کند که ایران آمادگی مذاکره برای تأمین منافع ملی خود را دارد و از موانع و تنش‌های غیرضروری در سیاست خارجی و به طریق اولی اقتصاد پرهیز می‌کند. همچنین تأکید می‌کند که در صورتی که صلح و سازش و بازگشت به راه حل‌های نرم ترک محاصره ممکن باشد، ایران آمادگی لازم را برای بازگشت به رویکرد سازنده خود خواهد داشت.

او امنیت را موضوعی دسته‌جمعی می‌داند و اعتقاد دارد اعتدال و تعادلی که منجر به بازی برد-برد برجام شد می‌تواند به یافتن راه حل‌های همکارانه در مواجهه با معضلات بین‌المللی منجر شود. رویکرد عقلایی حسن روحانی در برجام سبب شده است تا تعامل سازنده به عنوان سیاست اصولی جمهوری اسلامی ایران معرفی گردد که تلاش می‌کند کشورهای منطقه را به خارج شدن از دور باطل اختلافات و ایران‌هراسی و غیره فراخواند.^۱ همچنین محمدجواد ظریف به عنوان نماینده و سکان‌دار اصلی ایران در سیاست خارجی به خصوص در موضوع برجام، ضمن بدون مرز قلمداد کردن مشکلات اساسی بشر، راه حل آنها را هم از جنس همکاری در محیط بین‌المللی و کنش‌گری همه‌ی بازیگران معرفی می‌کند. ظریف اتخاذ رویکردهای یکجانبه و بازی‌های با حاصل جمع صفر را برای حل مسائل بی‌فایده می‌داند.^۲

رویکرد روحانی در برجام سبب شده تا ایران از کانون توجه بین‌المللی خارج شود و در عرصه‌ی جهانی یارگیری کرده تا بتواند با راهکارهای همکارانه‌ی دیپلماتیک موضوع هسته‌ای را به یک موضوع عادی بدل کرده و از فشارها و اجماع‌های آتی جلوگیری کند. اولویت در این رویکرد، در دوران مذاکرات اولیه (در زمان ریاست جمهوری محمد خاتمی) عدم ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت ملل متحد است و همین سیاست در برجام تکرار می‌شود و تلاش می‌شود تا پرونده ابتدا از ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد و در یکی از غروب‌های برجام آژ شورا خارج شود.

۱. برای مثال ر. ک. به سخنرانی حسن روحانی، منتشر شده در سایت تابناک ۲۷ دی ۱۳۹۲ (روحانی: با ایران هراسی مقابله خواهیم کرد، ۱۳۹۲).

۲. برای مثال ر. ک. به سخنرانی جواد ظریف در جمع همکاران سفارت جمهوری اسلامی ایران در آنکارا، منتشر شده در ایسنا ۷ شهریور ۱۳۹۳ (ظریف: بازی با حاصل جمع صفر منتفی است، ۱۳۹۳).

۳. روز لغو قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد، ده سال پس از روز قبول توافق، مندرج در بند ۳۴ ه (ظریف و دیگران، ۱۴۰۰ ب: ۲۸۴).



شکل ۱. مفصل‌بندی گفتمان عقلانیت در موضوع برجام

Figure 1. articulation of the rationality discourse about JCPOA

منبع: (نویسندگان، ۱۴۰۳)؛ (Athours, 2025)

نتیجه‌گیری

گفتمان‌کاوان انتقادی برآنند تا با استفاده از ابزار زبانی و ارجاع به زمینه تاریخی و اجتماعی متن تولید شده، ایدئولوژی پنهان را جهت بررسی انتقادی از لایه‌های زیرین متن آشکار کنند. لذا می‌توان تحلیل گفتمان انتقادی را ابزاری جهت شفاف‌سازی سیاسی، اجتماعی و نابرابری‌های اجتماعی دانست. تحلیل گفتمان به ما اجازه می‌دهد تا اشتراک معانی را به طور دقیق و مفصل، توصیف و ارزیابی کنیم. تحلیل گفتمان تجزیه و تحلیل می‌کند که کدام ایدئولوژی و عناصر گفتمانی بازنمودهای غالب احزاب سیاسی هستند؛ چگونه معانی در متون مختلف به طور متفاوتی ساخته می‌شوند و چه شیوه‌های متفاوتی را برای دیدن و اندیشیدن می‌توان در آنها یافت؟

با استناد به این یافته‌ها می‌توان گفت که اگر دال مرکزی گفتمان جریان اعتدال در موضوع برجام را عقلانیت در نظر بگیریم، عناصری از جمله: منافع ملی، تنش‌زدایی، اجماع‌سازی بین‌المللی، امنیت پایدار، رفع تحریم و مانع‌زدایی در اقتصاد، چندجانبه‌گرایی، احترام و همکاری بین‌المللی، عادی‌سازی ایران در منطقه، صلح و آشتی بین‌المللی، حول این مرکز قرار می‌گیرند. سیاست خارجی جریان اعتدال در گفتمان خود، برخی از مؤلفه‌ها را به عنوان عواملی که ثبات معنایی گفتمان اصلی

یعنی همان عقلانیت را تهدید می‌کنند، بیان داشته است که از آن میان می‌توان به افزایش هزینه بر فایده در روی گرداندن از تعهدات برجامی، انزوای سیاسی ایران در صحنه بین‌المللی، افزایش هزینه‌های کشور در افزایش تنش‌های سیاست خارجی، عدم حصول و یا حصول دیر هنگام امنیت پایدار در صورت عدم اتخاذ رویکردهای نرم، تبدیل ایران به بخشی از مسأله در موضوع برجام و دیگر موضوعات بین‌المللی با عدم رفتن به راه حل میانه اشاره کرد.

همچنین دال‌های شناور در این گفتمان همانند پیشنهاد تعامل سازنده با کشورهای همسایه برای تأمین منافع همگان، معرفی ایران به عنوان کشوری با سیاست خارجی تعامل گرایانه و اعتمادسازی بین‌المللی، نظم گفتمانی را شکل داده‌اند.

در موضوع برجام، نخستین ایده‌ی قابل بررسی در نظم گفتمانی، عقلانیت است که همانطور که اشاره شد با تعامل سازنده، تنش‌زدایی، رفع تحریم و امنیت پایدار برای ایران مفصل‌بندی شده است. با توجه به اینکه هر گفتمان خود را در مسیر طرد گفتمان‌های دیگر تعریف و تثبیت می‌کند، در موضوع برجام، در سیاست خارجی جریان اعتدال خود را با نظم گفتمانی افزایش فایده و کاهش هزینه، عقلانیت بر مبنای مصلحت و منافع ملی تعریف کرده است و با اشاره به اینکه در شرایط روز، ملی و منطقه‌ای، عقلانیت سیاسی و مصلحت ملی در پذیرش برجام است، گفتمان خود را تقویت می‌کند و با نسبت دادن افزایش هزینه با عدم پذیرش برجام به طرد گفتمان غیر می‌پردازد. در این پژوهش بر اساس جمع‌بندی صورت گرفته از تحلیل گفتمان سیاست خارجی جریان اعتدال، می‌توان گفت دال مرکزی عقلانیت به عنوان اصلی‌ترین گزاره و رنگ دهنده‌ی باقی معانی گفتمانی است که در آن حضور دارند.

منابع فارسی

۱. بخشی، ا.، یاری القار، ع. و حمیدی، س. (۱۳۹۹). خروج آمریکا از برجام و لزوم بازخوانی مفاد آن و محظورات طرفین در توافق هسته‌ای با کاربست نظریه عقلانیت محصور. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۱۲(۴۳)، ۱۸-۳۴.
۲. بستجانی، م. ت. (تهیه‌کننده)، و دزفولی، س. م. م. (کارگردان). (۱۳۹۹). مستند مجمع عقلا.
۳. جمشیدی، م. (۱۳۹۴). تأثیر فرایند توافق هسته‌ای بر ادراک آمریکا از عقلانیت راهبردی ایران. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۵(۴)، ۹۴-۶۹.
۴. دوثرتی، ج. و فالتزگراف، ر. (۱۳۸۸). نظریه‌های متناقض در روابط بین‌الملل. ترجمه ع. طیب و و. بزرگی، تهران: قومس.
۵. رالز، ج. (۱۳۹۷). لیبرالیسم سیاسی. ترجمه م. اکرمی، تهران: نشر ثالث، چاپ سوم.
۶. روحانی، ح. (۱۳۹۱). امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ دوم.
۷. روحانی، ح. (۱۳۹۲). با ایران هراسی مقابله خواهیم کرد. تابناک. بازیابی شده در ۲۷ مهر

۸. سلطانی، س. ع. ا. (۱۳۸۴ الف). تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش. فصلنامه علوم سیاسی، ۲۸(۲)، ۱۵۳-۱۷۹.
۹. سلطانی، س. ع. ا. (۱۳۸۴ ب). قدرت، گفتمان، و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر نی.
۱۰. سلیمانی، غ. (۱۳۹۰). نقد و بررسی مدل عقلانی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی از گونه‌های تعدیل‌شده الگوی عقلانی تا مدل‌های جایگزین. فصلنامه سیاست خارجی، ۲۵(۲)، ۳۶۰-۳۲۹.
۱۱. ظریف، م. ج. (۱۳۹۳). بازی با حاصل جمع صفر منتفی است. ایسنا. بازیابی شده در ۷ شهریور ۱۳۹۳، از <https://www.isna.ir/news/93060703953>.
۱۲. ظریف، م. ج. و دیگران (۱۴۰۰ الف). راز سر به مهر: کتاب اول: توافق موقت ژنو. گردآورنده: س. موجانی، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۳. ظریف، م. ج. و دیگران (۱۴۰۰ ب). راز سر به مهر: کتاب پنجم به اضافه یک؛ پیوست‌ها گردآورنده: س. موجانی، تهران: اطلاعات.
۱۴. فرکلاف، ن. (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان. ترجمه ف. شایسته پیران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۱۵. فیلیس، ل. و یورگنسن، م. (۱۳۹۵). نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه ه. جلیلی، تهران: نشر ن، چاپ ششم.
۱۶. قریب، ح. (۱۳۹۲). عقلانیت و سیاست‌گذاری خارجی. راهبرد، ۲۲(۳)، ۱۰۵-۱۲۶.
۱۷. مصلی‌نژاد، ع. (۱۳۹۴). سیاست‌گذاری منافع متقابل و عقلانیت راهبردی در سیاست خارجی اعتدال. فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۵(۱)، ۲۷۶-۲۴۱.

English References:

1. Alden, C., & Aran, A. (2017). *Foreign Policy Analysis*. (2nd ed.). New York: Routledge.
2. Baros, G. (2010). Herbert A. Simon and the concept of rationality: Boundaries and procedures. *Brazilian Journal of Political Economy*, 30(3), 455-472.
3. Beach, D., (2012). *Analyzing Foreign Policy*. London: Palgrave Macmillan.
4. Burns, W. J. (2019). *The Back Channel*. Random House.
5. Fairclough, N. (2003). *Analyzing discourse: Textual analysis for social research*. London: Routledge.
6. Fairclough, Norman. (2001). Critical Discourse Analysis. *Int. Adv. Eng. Technol.*, 7, 452-487.
7. Kissinger, H. (2014). *World Order*. New York: Penguin Press.
8. Parsi, T. (2017). *Losing an Enemy*. New Haven: Yale University Press.
9. Sherman, W. R. (2018). *Not for the Faint of Heart*. New York: Public Affairs.

Translated References to English

1. Alden, C., & Aran, A. (2017). *Foreign Policy Analysis*. (2nd ed.). New York: Routledge.
2. Bajestani, M. T. (Producer), & Dezfouli, S. M. (Director). (2020). *The council of rationales* [Documentary]. **(In Persian)**
3. Bakhshi, A., Yari Alghar, A., & Hamidi, S. (2020). The US withdrawal from the JCPOA, the need to re-read its terms, and the constraints of the parties in the nuclear agreement with the application of bounded rationality theory. *Political and International Research*, (12)43, 18-34. **(In Persian)**
4. Baros, G. (2010). Herbert A. Simon and the concept of rationality: Boundaries and procedures. *Brazilian Journal of Political Economy*, 30(3), 455-472.
5. Beach, D., (2012). *Analyzing Foreign Policy*. London: Palgrave Macmillan.
6. Burns, W. J. (2019). *The Back Channel*. Random House.
7. Douerti, J., & Faltzgraf, R. (2009). *Contradictory theories in international relations*. Translated by Tayeb, A., & Bozorgi, V., Tehran: Qomes. **(In Persian)**
8. Fairclough, N. (2000). *Critical discourse analysis* Translated by F. Shayesteh Piran, Tehran: Center of Studies and Researches of Media. **(In Persian)**
9. Fairclough, N. (2003). *Analyzing discourse: Textual analysis for social research*. London: Routledge.
10. Fairclough, Norman. (2001). Critical Discourse Analysis. *Int. Adv. Eng. Technol.*, 7, 452-487.
11. Gharib, H. (2013). Rationality and foreign policy. *The Scientific Journal of Strategy*, 22(3), 105-126. **(In Persian)**
12. Jamshidi, M. (2015). The process of nuclear agreement and US perception of Iran's strategic rationality. *Political Strategic Studies*, 15(4), 69-94. **(In Persian)**
13. Kissinger, H. (2014). *World Order*. New York: Penguin Press.
14. MosallaNejad, A. (2015). Policy-making of mutual interests and strategic rationality in moderated foreign policy. *Researches in International Relations*, 5(1), 241-276. **(In Persian)**
15. Parsi, T. (2017). *Losing an Enemy*. New Haven: Yale University Press.
16. Philips, L., & Jorgensen, M. (2016). *Discourse analysis as theory and method* (6th ed.), Translated by H. Jalili. Tehran: Ney Press. **(In Persian)**
17. Rawls, J. (2018). *Political liberalism* (3rd ed.), Translated by M. Akrami, Tehran: Saless. **(In Persian)**
18. Rouhani, H. (2012). *National security and nuclear diplomacy* (2nd ed.). Tehran: Center for Strategic Research. **(In Persian)**

19. Rouhani. (2013). We will counter Iranophobia. *Tabnak*. Retrieved October 19, 2013, from <https://www.tabnak.ir/fa/news/372052>. **(In Persian)**
20. Sherman, W. R. (2018). *Not for the Faint of Heart*. New York: Public Affairs.
21. Soleymani, G. (2011). Critique and review the rational action model in foreign policy, from moderated rational pattern to replaced models. *Foreign Policy*, 25(2), 329-360. **(In Persian)**
22. Soltani, S. (2005A). Discourse analysis as theory and method. *Political Science*, 7(28), 153-179. **(In Persian)**
23. Soltani, S. (2005B). Power, discourse, and language: Mechanisms of power flow in the Islamic Republic of Iran. Tehran: Ney Press. **(In Persian)**
24. Zarif, M., Salehi, A., Araghchi, S., & Takhte Ravanchi, M. (2021A). *The Untold Story*. Vol. 1, Edited by S. Moujani, Tehran: Ettelaat Press. **(In Persian)**
25. Zarif, M., Salehi, A., Araghchi, S., & TakhteRavanchi, M. (2021B). *The Untold Story*. Vol. 6, Edited S. Moujani, Tehran: Ettelaat Press. **(In Persian)**
26. Zarif. M.J. (2014). The zero-sum game is over. ISNA. Retrieved August 29, 2014, from <https://www.isna.ir/news/93060703953>. **(In Persian)**





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی